

امانت داری

اعتماد اجتماعی یکی از سرمایه های اصلی جامعه انسانی و بلکه یکی از نیازهای اساسی اجتماع بشری است به گونه ای که اگر اعتماد از جامعه سلب شود و مردم به همدیگر اعتماد نداشته باشند، روابط و پیوندها متزلزل و زندگی آدمی روبه ویرانی می نهد و اگر در خانواده همسر به همسر خود و فرزندان به پدر و مادر، و پدر و مادر به فرزندان خود اعتماد نداشته باشند، خانواده دچار از هم پاشیدگی خواهد شد، اگر در جامعه بین مسؤولان و مردم اعتماد متقابل وجود نداشته باشد، گست اجتماعی بوجود آمده و در نتیجه نظام اجتماعی فرو خواهد ریخت.

عواملی در تحقق این اعتماد نقش دارد که در صورت توجه به ان این اعتماد تحکیم خواهد شد و در صورت نادیده گرفتن آن، اعتماد از بین خواهد رفت از جمله آن عوامل که باعث تقویت اعتماد اجتماعی می گردد امانت داری است و در برابر، آن چه که باعث زوال اعتماد اجتماعی می گردد خیانت است. از این رو قرآن کریم یکی از ویژگی های مؤمنان را رعایت امانت دانسته و فرمود: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * ... وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾^۱؛ مؤمنان رستگار شدند ... آنها که امانت ها و عهد خود را رعایت می کنند.

همچنین در سوره معارج نیز در بیان اوصاف نمازگزاران واقعی، یکی از ویژگی های آنها را رعایت امانت ها و عهد خود می داند.^۲ یعنی مؤمنان واقعی و همچنین نمازگزارانی که به حقیقت، نماز می گزارند

۱. سوره مؤمنون، آیه ۱ و ۸

۲. سوره معارج، آیه ۳۲

امانت ها را مراعات کرده و مراقب حفظ آن ها هستند.

امانت مانند امن و امان و ایمان از ریشه (ا.م.ن) و به معنای حالتی است که زمینه ساز حصول آرامش و اطمینان خاطر نسبت به چیزی است. امانت در حقیقت ادای حقی است که انسان به پرداختن به آن تعهد کرده است و در مقابل آن، خیانت به معنای خودداری از ادای حقی است که آدمی پرداخت آن را عهده دار شده است، در آموزه های اسلامی امانت داری از اهمیت فوق العاده برخوردار است در قرآن کریم شش بار واژه امانت یا جمع آن^۱ و چهارده بار واژه امین به کار رفته است.^۲ در روایات فراوانی نیز بر اهمیت آن تأکید شده است. در روایتی امام صادق (ع) ملاک دین داری را راستگویی و امانت داری دانسته و فرموده است: «لَا تَغْتَرُوا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ رُبَّمَا لَهَجَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ حَتَّى لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ وَ لَكِنْ اخْتَبَرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ»^۳؛ فریب نماز و روزه مردم را نخورید چه بسا انسانی به نماز و روزه حریص باشد به گونه ای که از ترک آن وحشت داشته باشد و اگر بخواهید آنها را مورد اختبار و آزمایش قرار دهید با راستگویی و امانت داری اختیار و آزمایش کنید و در حدیث ۱۲ همین باب فرمود: «به رکوع و سجود طولانی افراد نگاه نکنید، بلکه به راستگویی و امانت داری آنان بنگرید.»^۴

۱. سوره بقره، آیه ۲۸۳؛ سوره نساء، آیه ۵۸؛ سوره انفال، آیه ۲۷؛ سوره احزاب، آیه ۷۲؛ سوره مؤمنون، آیه ۸؛ سوره معارج، آیه ۳۲

۲. سوره اعراف، آیه ۶۸؛ سوره یوسف، آیه ۵۴؛ سوره شعراء، آیات ۱۰۷، ۱۲۵، ۱۴۳، ۱۶۲، ۱۷۸، ۱۹۳؛ سوره نمل، آیه ۳۹؛ سوره قصص، آیه ۲۶؛ سوره دخان، آیه ۱۸ و ۵۱؛ سوره تکویر، آیه ۲۱؛ سوره تین، آیه ۳

۳. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴

۴. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۵

در تأکید بر اهمیت امانت داری فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ»؛ خدای سبحان هیچ پیامبری را به نبوت بر نیانگیخت مگر به راستگویی و امانت داری. یعنی چون پیامبران از ویژگی راستگویی و امانت داری بهره مند بودند خدای سبحان نعمت نبوت را به آنان ارزانی داشته است. و چون امانتداری از جایگاهی مهم در زندگی انسان ها برخوردار است و همه آدمیان به ضرورت آن توجه دارند، پیامبرانی که در بین خود به دعوت می پرداختند برای این که جواب مخالفان را بگویند می فرمودند: ﴿إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ﴾^۱؛ من مسلماً برای شما پیامبری امین هستم؛ این سخن نوح است و مشابه این سخن را هود و صالح و شعیب نیز فرمودند.

آن جا که حضرت جبرئیل مأمور فرود آوردن وحی بر قلب مبارک پیامبر اسلام گشته است به امانت دار و امین وصف شده است. ﴿وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ﴾^۲؛ مسلماً این قرآن از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است، روح الامین آن را نازل کرده است بر قلب پاک تو تا از انداز کنندگان باشی. در حقیقت جبرئیل که حامل وحی الهی بر قلب پیامبر است باید از ویژگی امانت داری برخوردار باشد تا وحی را سالم و خالی از هرگونه الودگی به خرافات و اباطیل در اختیار پیامبر قرار دهد.

در سوره یوسف نیز وقتی عزیز مصر قابلیت و شایستگی حضرت یوسف را در ماجرای تعبیر خواب و سلامت و عفت او را در دورانی که در خانه او بسر می برد و دیگر شرائط، او را به عنوان امین

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴

۲. سوره شعراء، آیات ۱۰۷، ۱۲۵، ۱۴۳، ۱۶۲، ۱۷۸

۳. سوره شعراء، آیات ۱۹۲ - ۱۹۴

یافت و به او پیشنهاد مسؤولیت داد و او نیز مسؤولیت خزانه داری را پذیرفت.

از این آیات و روایات استفاده می شود که یکی از شرایط پذیرش مسؤولیت اعم از مسؤولیت هدایت و رهبری و مسؤولیت مدیریت و اداره جامعه و مسؤولیت های اجتماعی، ویژگی امانت داری است.

شمول و گستردگی امانت

در فرهنگ قرآن و اسلام، امانت داری محدود به امانت هایی که افراد در اجتماع به کسی می سپرند، نیست و خود امانت محدود به امانت های مادی نیست بلکه امانت داری، هم نسبت به صاحبان امانت و هم نسبت به انواع امانت ها گسترده است، از این رو صاحب امانت گاهی خداست و گاهی پیامبر خدا و گاه مردم و گاه خود انسان، و امانت نیز شامل امانت مادی و معنوی و فردی و اجتماعی می شود که به آن پرداخته می شود.

انواع امانت داری نسبت به صاحبان امانت

امانت داری نسبت به صاحبان امانت حوزه های متعددی دارد؛

الف: امانت داری نسبت به خدای متعال

قرآن کریم انسان را امانت دار الهی می داند و با این ویژگی، وی را از دیگر موجودات جهان آفرینش امتیاز بخشیده است؛ ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾^۱؛ ما امانت را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه

۱. سوره احزاب، آیه ۷۲

داشتیم آن‌ها از حمل آن ابا کردند و از آن هراس داشتند، اما انسان آن را به دوش کشید، او بسیار ظالم و جاهل بود.

در این که مقصود این امانت چیست؟ بین مفسران اختلاف است به گفته مرحوم علامه طباطبایی مقصود از امانت هرچه باشد، چیزی است که خدای سبحان آن را به انسان سپرده است تا وی آن را حفظ کند و سالم به خدای سبحان بازگرداند.^۱ اگر مصداق آن امانت، عقل باشد که ملاک تکلیف و مناط پاداش و کیفر است باید آن را حفظ کند و از آن برای عبادت خدا و کسب حیات سعادت‌مندانه اخروی و بهشت استفاده کند و اگر مصداق آن اختیار و آزادی اراده باشد باید آن را در جهت انتخاب صحیح و صراط مستقیم به کار گیرد و اگر مصداق آن ولایت الهیه و کمال صفت عبودیت باشد که از طریق معرفت و عمل صالح حاصل می‌شود، باید معرفت را تحصیل و عمل صالح را انجام دهد تا آن ولایت الهی در وی تحقق پیدا کند، و اگر مراد اعضاء پیکر انسان باش باید آن را حفظ کرده و در طریق گناه مصرف نکند، همین چشم و گوش و دست و پا و زبان، هر یک امانت‌های الهی هستند که باید از آن در جهت مثبت استفاده کرده و در جهت گناه به کار نگیرد. از باب مثال، چشم را از نگاه به حرام و گوش را از شنیدن سخنان حرام و گمراه‌کننده و زبان را از دروغ و غیبت و مانند آن و دست و پا را از استفاده‌های ناروا مانند دزدی یا زدن به ناتوان و رفتن به اماکنی که در آن گناه انجام می‌گیرد حفظ کند. و اگر مراد امانت‌هایی است که مردم از یکدیگر می‌گیرند پس از دریافت، آن را حفظ و به صاحبان آن‌ها برگرداند و اگر مراد واجبات و تکالیف الهی است، آن را حفظ و با شرائط آن، آن‌ها را درست انجام

۱. ر.ک: المیزان، ج ۱۶، ص ۳۴۹ - ۳۵۰

دهد، و اگر مراد معرفت الهی است در جهت کسب آن تلاش و کوشش کند و پس از تحصیل آن را حفظ نماید، و اگر مراد تعهد و قبول مسؤولیت باشد، باید انسان آن تعهد و مسؤولیت را به انجام برساند.

مرحوم علامه طباطبایی مراد از امانت را ولایت الهی دانسته اند.^۱

راز امانت داری انسان

اما اینکه انسان چرا از بین موجودات جهان هستی این امانت را به دوش کشید، آن است که انسان موجودی است یا قابلیت های گوناگون و با استعداد فوق العاده که می تواند با شکوفا ساختن آن، مصداق کامل خلیفه الهی شود. آدمی می تواند با کسب معرفت و تهذیب نفس و تزکیه روح و تحصیل کمالات در مرحله ای از کمال قرار گیرد که از فرشتگان هم بالاتر رود.

همین انسان می تواند با ترک معرفت و تلاش نکردن در جهت تهذیب نفس به گونه ای سقوط کند که نه تنها در حد حیوانات، بلکه از آنها نیز نازل تر گردد، آن چه که به انسان این قابلیت را می دهد عقل و اراده و اختیار است، که با عقل بشناسد و با اختیار و اراده آن را انتخاب کند و با پذیرش ولایت الهی و خود را تحت تدبیر خدا قرار دادن به اوج قله تکامل برسد. اما آسمان و زمین و کوه ها گرچه نوعی معرفت و ذکر و تسبیح و سجده الهی را دارند، اما همه این ها به صورت تکوینی است نه با اراده و اختیار. از این رو آن ها تکویناً تحت تدبیر الهی هستند، و چون اراده و اختیار و عقل را ندارند تکلیف و مسؤولیت برای آنها معنی ندارد. از این رو انسان امانت الهی را که همان ولایت الهی است با عقل و اراده و اختیار پذیرفت.

۱. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۵۰

دعوت به پاسداشت امانت الهی

قرآن نه تنها از امانت دار الهی بودن انسانی سخن می گوید، بلکه او را به پاسداشت امانت الهی فراخوانده است و خطاب به مؤمنان فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۱؛ ای کسانی که ایمان به خدا و پیامبر آورده اید، خیانت نکنید و نیز در امانت های خود خیانت روا مدارید در حالی که می دانید.

ظاهراً مقصود از خیانت به خدا و پیامبر آن است که واجبات و محرمات و برنامه های الهی را ترک نکنید. یعنی فرائض الهی و سنن پیامبر (ص) امانتی است در اختیار مؤمنان که آن ها باید فرائض و واجبات الهی را انجام و سنت های پیامبر را به کار گیرند، و ترک آنها در واقع خیانت به خدا و پیامبر است و به دیگر سخن؛ هر گناهی از گناهان خواه ترک واجب و خواه انجام حرام، خیانت است از این رو در سوره غافر فرمود: ﴿يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ﴾^۲؛ خدای سبحانی از چشم های خیانت کار و آن چه در دل ها پنهان می کنید، آگاه است. یعنی حرمت نگاه به نامحرم که از محرمات الهی است اگر نادیده گرفته شود خیانت است. گیاهان دیگر نیز خیانت است.

در هر صورت این آیه مؤمنان را در مرحله اول از خیانت به خدا و در مرحله ثانی از خیانت به پیامبر و در مرحله سوم از خیانت به مردم باز می دارد، معلوم است که امانت خدا دین و آئین و برنامه های او و امانت پیامبر (ص)، سنت های او و امانت مردم مؤمن، اموال و اسرار آن هاست.

۱. سوره انفال، آیه ۲۷

۲. سوره غافر، آیه ۱۹

ب: پیامبر خدا

یکی از صاحبان امانت پیامبر خداست که در گفتار پیشین مؤمنان موظف به حفظ امانت پیامبر و ترک خیانت شدند و گفته شد که این امانت، سنت آن حضرت است اما افزون بر سنت، به مقتضای حدیث ثقلین قرآن و عترت از امانت های پیامبر(ص) نزد مردم است که آن حضرت فرمود: «أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ يُّوشِكُ أَنْ يَأْتِيَ رَسُولَ رَبِّي فَاجِيبْ وَأَنَا تَارِكٌ فَيْكُمُ ثَقْلَيْنِ أَوْلَهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ مَنْ اسْتَمْسَكَ بِهِ وَأَخَذَ بِهِ كَانَتْ عَلَيْهِ الْهُدَى وَمَنْ أَخْطَأَ ضَلَّ فَخُذُوا بَكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَاسْتَمْسِكُوا بِهِ وَأَهْلَ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي»؛^۱ ای مردم من میان شما دو چیز گرانمایه به یادگار می گذارم نخست کتاب خدا که در آن هدایت و نور است پس کتاب خدا را بگیرید و به آن تمسک جوئید. پیامبر تشویق و ترغیب فراوانی درباره قرآن فرمودند. سپس فرمود و اهل بیت را به شما توصیه می کنم که خدا را درباره اهل بیت فراموش نکنید. (پیامبر دو بار این جمله را تأکید فرمودند)؛ از قرار دادن اهل بیت در کنار قرآن به عنوان دو چیز گرانمایه و تأکید کردن بر یاد آوردن مسؤولیت الهی در مورد آنان از اهمیت این امانت در کنار قرآن حکایت می کند.

همین حدیث با عبارتی متفاوت در سنن ترمذی نیز آمده است و در آن فرمود: «و عترتی اهل بیتی»^۲ عترت خود را با اهل بیت یکی دانسته است.

بر اساس این حدیث بر مسلمانان لازم است امانت قرآن را حفظ کرده و در آن خیانت نکنند تا

۱. نهج الفصاحه، ص ۲۶۱

۲. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۴۷۹

مبادا مشمول خیانت در قرآن شوند که پیامبر اکرم (ص) در مقام شکایت فرمود: ﴿يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾؛ پروردگارا، قوم من قرآن را وا نهادند. زیرا بر مسلمانان فرض است که امانت عترت و اهل بیت را حفظ کنند و حفظ آنها هم به مودت و تمسک عملی از آنان است، که به عنوان مزد رسالت آن حضرت شمرده شده است. چنانچه فرمود: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾^۲؛ بگو برای آن کار جز دوستی خویشان چیزی از شما طلب نمی‌کنم.

ج: امانت داری نسبت به دیگران

انسان‌ها که در جامعه زندگی می‌کنند و با هم در تعامل هستند از جمله صاحبان امانت هستند که باید در رعایت آن سعی و کوشش کنند، و این امانت نیز خود در مصادیق گوناگون است؛

اول: اموال

اگر فردی مالی را پیش انسان به امانت بگذارد، حفظ آن امانت و استفاده بهینه از آن، مورد تأکید آموزه‌های اسلامی است. قرآن کریم فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾^۳؛ خدای سبحان به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید.

گرچه در این امانت در این آیه، معنای وسیعی دارد و هرگونه سرمایه مادی و معنوی را شامل می‌شود و هر مسلمانی وظیفه دارد در هیچ امانتی نسبت به هیچ کس خیانت نکند، خواه صاحب امانت

۱. سوره فرقان، آیه ۳۰

۲. سوره شوری، آیه ۲۳

۳. سوره نساء، آیه ۵۸

مسلمان باشد و خواه غیر مسلمان.

دوم: امکانات معنوی

بخشی از امانت هایی که مؤمنان موظف به حفظ اداء آن هستند امانت های معنوی است که از جمله آن ها جان و سلامتی، اسرار مردم، عهد و پیمان و رایزنی در مقام مشاوره است.

از این رو پیامبر فرمود: کسی که طبابت می کند ولی به این دانش مهارت نداشته باشد هرگاه به جان یا عضوی از اعضای بدن بیمار زبانی رساند ضامن است.^۱ علی (ع) فرمود: «يَجِبُ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَخْبِسَ الْفُسَّاقَ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَالْجُهَّالَ مِنَ الْأَطِبَّاءِ وَ...»^۲؛ بر حاکم اسلامی واجب است دانشمندان تبهکار و پزشکان فاقد مهارت های لازم را زندانی کند.

در رابطه با حفظ اسرار، پیامبر (ص) فرمود: «الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُحَدِّثَ بِحَدِيثٍ يَكْتُمُهُ صَاحِبُهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ تَقَةً أَوْ ذِكْرًا لَهُ بِخَيْرٍ»^۳؛ مجلس هایی که در آن می نشینی امانت است، و اگر سخنی باشد که گوینده آن قصر کتمان آن را دارد، برای کسی روا نیست که آن را به دیگران بگوید، زیرا این کار خیانت است مگر اینکه خود او اجازه دهد و یا فرد مورد اعتماد باشد و او را به خیر یاد کند.

مشورت و رایزنی که در آموزه های اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است، شرایطی دارد که از جمله آن امانت داری است علی (ع) فرمود: «خِيَانَةُ الْمُسْتَسْلِمِ وَالْمُسْتَشِيرِ مِنْ أَفْطَحِ الْأُمُورِ وَأَعْظَمِ

۱. سنن دارقطنی، ج ۳، ص ۱۳۷

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۱

۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۶۰

الشَّرُّور و موجب عذاب السَّعِير»^۱؛ خیانت به فرد تسلیم شده و مشورت کننده از زشت ترین کارها و از بزرگترین بدی هاست و موجب عذاب دوزخ می شود.

سوم: امانت اجتماعی

یکی از مصادیق امانت، امانت داری نسبت به حقوق اجتماعی است، آنها عبارتند از؛ پست و مقام. در اسلام، پست و مقام به عنوان امانت همگانی به شمار می آید از این رو امیرالمؤمنین (ع) در نامه ای خطاب به فرماندارانش فرمود: «وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَأَنْتَ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ»^۲؛ پستی که داری لقمه ای نان نیست بلکه امانتی بر عهده توست، آن که تو را به کارگمارده است نگهبانی امانت را به عهده تو وانهاده است.

به مقتضای امانت شمرده شدن پست و مقام، شایسته است افرادی به کار گماشته شوند که شایسته آن پست و مقام باشند یعنی هم از نظر مهارت شایستگی داشته باشند و هم از نظر تجربه و هم از نظر تعهد و پای بندی به وظائف، و اگر پست و مقام به افراد نالایق واگذار شود، خیانت به این امانت اجتماعی است از این رو پیامبر اکرم (ص) افرادی را که شایستگی تصاحب پست و مقام ندارند (اما این پست و مقام را اشغال می کنند)، خیانت کار شمرده است: «مَنْ تَقَدَّمَ عَلَى قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَهُوَ يَرِي أَنْ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ الْمُسْلِمِينَ»^۳؛ کسی که در پذیرش پستی یا منصبی از دیگر مسلمانان پیشی بگیرد، در حالی که می داند در میان آنان فردی پرتوان تر وجود دارد، به خدا پیامبر و

۱. غرر الحکم، ص ۳۶۳

۲. نهج البلاغه، نامه ۵

۳. الغدير، ج ۸، ص ۴۱۱

مردم خیانت کرده است.

در سخنی دیگر فرمود: اگر کسی فرد نالایقی را به کاری وادارد، مرتکب خیانت شده است: «من استعمل عاملاً من المسلمین و هو یعلم أن فیهم أولى بذلک منه و أعلم بکتاب اللّٰه و سنّه نبیّه فقد خان اللّٰه و رسوله و جمیع المسلمین»؛^۱ هر کس فردی از مسلمانان را به کار گیرد. حال آن که می داند در میان آنان، افرادی سزاوارتر و آگاه تر به کتاب خدا و سنت پیامبر(ص) وجود دارد او در حقیقت به خدا رسول خدا(ص) تمامی مسلمانان خیانت کرده است.

اسرار عمومی

یکی از امانت های اجتماعی اسرار نظام اسلامی است که اگر کسی آن را افشاء کند، خیانت کار است علی(ع) فرمود: «من أفضی سرّاً إستودعه فقد خان»^۲؛ هر کسی رازی را که به امانت گرفته است فاش کند خیانت کرده است.

عوامل و زمینه های امانت

امانت داری و امانت شکنی مانند دیگر پدیده های اجتماعی عوامل و زمینه های خاصی خود را دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. ایمان

ایمان که مؤثرترین عامل گسترش ارزش هاست، در گسترش امانت داری نیز تأثیری فوق العاده دارد با وجود این نه به مال کسی خیانت می شود و نه آبروی کسی ریخته می شود از این رو

۱. همان

۲. غرر الحکم، ص ۶۰۸

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «الْخِيَانَةُ دَلِيلٌ عَلَى قَلَّةِ الْوَرَعِ وَ عَدَمِ الدِّيَانَةِ»؛ خیانت، گواهی بر کمی ورع و بی دینی است.

۲. نظارت و کنترل

نظارت بر امانت هایی که افراد جامعه عهده دار آن هستند موجب فزونی امانت داری می شود. از این رو امیرالمؤمنین (ع) در عهد نامه اش به مالک اشتر فرمود: «ثُمَّ تَفَقَّدُوا أَعْمَالَهُمْ وَ ابْعَثُوا الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَ الْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكُمْ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدُوءٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَ الرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ»؛^۲ با فرستادن مأموران مخفی راستگو و با وفا، کارهای آنان را زیر نظر بگیر، زیرا بازرسی مداوم و پنهانی سبب می شود که آنها به امانت داری و مدارا کردن به زیر دستان ترغیب شوند.

بنابراین اگر انسانی بخواهد امانت دار باشد باید از درون از ایمان به خدا و قیامت برخوردار باشد، تا او را به رعایت و حفظ آن وادار کند، و از بیرون نیز باید ناظران، نظارت کنند تا فرد دچار خیانت نشود.

عوامل و زمینه های بروز خیانت

کسانی که به سراغ خیانت می روند و از امانت داری سرباز می دارند از درون و بیرون گرفتار عواملی هستند که آن ها را به آن وا می دارد و آن عوامل عبارتند از:

۱. ضعف ایمان و عقیده

همان گونه که ایمان خاستگاه بسیاری ارزش ها و از جمله امانت داری است، ضعف ایمان و

۱. غرر الحکم، ص ۷۶

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳

عقیده یا فقدان آن از عوامل بروز خیانت است از این رو پیامبر اکرم (ص) فرمود: «لِلْمُنَافِقِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبًا، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا اتُّمِنَ خَانَ»؛^۱ نشانه منافق سه چیز است: آنگاه که سخن می گوید دروغ می گوید و آن گاه که وعده ای می دهد خلف وعده می کند و آنگاه که امین شمرده می شود خیانت می کند.

۲. غلبه هوا و هوس و دنیا پرستی

انسانی که هوا و هوس و دنیا پرستی بر او غلبه می کند و تنها به منافع زودگذر دنیا می اندیشد زمینه برای خیانت را در او فراهم است. زیرا این دسته افراد به عواقب خیانت فکر نمی کنند و به فرموده قرآن با غلبه هوا و هوس، پرده ای بر چشم و گوش و عقل آنها افکنده شده که نمی دانند چه می کنند. ﴿أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾^۲؛ آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند با آگاهی او را گمراه ساخته، و بر گوش و قلبش مهر زد و بر چشمش پرده ای افکند است، با این حال چه کسی می تواند غیر از خدا او را هدایت کند آیا متذکر نمی شوید.

۳. چیره شدن حرص و طمع بر انسان

انسان حریص و طماع نیز مرتکب خیانت می شود، هم در اموال دیگران خیانت می کند و هم در اشتغال به پستی که شایسته آن نیست. حریص است از این رو به جای تلاش و کوشش مستمر و غلبه بر هوا و هوس و کنترل حرص و طمع، برای رسیدن به مقصود، راه خیانت را در پیش می گیرد.

۱. قرب الإسناد، ص ۲۸

۲. سوره جائیه، آیه ۲۳

راه پیش‌گیری از خیانت

برای پیش‌گیری از وقوع خیانت توسط افراد در جامعه باید به امور ذیل توجه کرد:

۱. تقویت پایه‌های ایمان

تقویت پایه‌های ایمان از طریق شناخت خدا و توکل و اعتماد بر او و اطمینان به وعده‌های تخلف

ناپذیر او، زمینه را برای وصول به مواهب زندگی از راه مشروع فراهم می‌کند.

۲. تأمین نیازهای معقول و مشروع

یکی از عواملی که فرد را به خیانت می‌کشاند نیازمندی است، و اگر مدیران و مسؤولان به

نیازهای معقول و مشروع کسانی که تحت مدیریت آنها هستند توجه کنند و آن را برآورده سازند زمینه

خیانت در افراد از بین می‌رود.

۳. توجه به عواقب شوم خیانت در دنیا و آخرت

انسانی که بداند خیانت موجب رسوایی در دنیا و سرافکنندگی در برابر خلق و خالق و گرفتار

شدن به محرومیت‌های ناشی از رسوایی و سرافکنندگی و در نتیجه گرفتار فقر می‌شود، هرگز به آن

مبتلا نمی‌شود و همچنین انسانی که بداند در آخرت گرفتار عذاب الهی خواهد شد از خیانت می‌گریزد

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «أَرْبَعٌ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا وَاحِدَةً مِنْهُنَّ إِلَّا خَرِبَ وَلَمْ يُعْمَرْ بِالْبِرْكَهِ الْخِيَانَةُ وَالسَّرِقَةُ وَ

شُرْبُ الْخَمْرِ وَالزَّوْنَاءُ»؛ چهار چیز است که اگر یکی از آنها در خانه‌ای وارد شود ویران می‌گردد و

هرگز برکت الهی آن را آباد نخواهد کرد، خیانت، سرقت، شرب خمر و میگساری و زنا.

۱. الامالی (صدوق)، ص ۳۹۸

آثار و پیامدهای امانت داری و خیانت

امانت داری و خیانت، داری آثار و پیامدهایی است که باید به آن توجه کرد:

۱. تقویت ایمان

یکی از فواید امانت داری تحکیم پایه های ایمان و گسترش دین داری است. حضرت علی (ع) فرمود: «من عمل بالأمانة فقد أكمل الدیانة»^۱؛ کسی که امانت را پاس دارد، دین داری را کامل کرده است. در مقابل آن، خیانت سبب سستی ایمان و دین داری است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَانَ مُسْلِمًا فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ»^۲؛ کسی که به اهل و مال مسلمانی خیانت کند، از ما نیست. همچنین امام علی (ع) می فرماید: «جانبوا الخيانة فإنها مجانبة الإسلام»^۳؛ از خیانت دوری کنید چراکه خیانت آدمی را از اسلام دور می کند.

۲. جلب اعتماد اجتماعی

یکی از آثار مهم امانت داری جلب اعتماد اجتماعی است، در مقابل خیانت سبب زوال اعتماد اجتماعی می شود. امام صادق (ع) در این مورد به عبدالرحمان می فرماید: «عَلَيْكَ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ تَشْرِكُ النَّاسَ فِي أَمْوَالِهِمْ هَكَذَا وَ جَمَعَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ»^۴؛ بر تو باد به راستگویی و اداء امانت، تا شریک مال مردم شوی این چنین، هنگامی که این سخن را می گفت، انگشتان خود را به هم جمع کرده بود و به من نشان داد یعنی مانند این انگشتان.

۱. غرر الحکم، ص ۶۶۲

۲. الاختصاص، ص ۲۴۸

۳. غرر الحکم، ص ۳۳۷

۴. الکافی، ج ۵، ص ۱۳۴

۳. مایه آرامش روح و فکر

اگر امانت داری در جامعه ای حاکم شود زمینه های آرامش روح و فکر را برای افراد فراهم می کند و امنیت علاوه بر فرد، جامعه را نیز فرا می گیرد، لقمان به فرزندش گفت: «يَا بُنَيَّ أَدِّ الْأَمَانَةَ تَسْلَمَ لَكَ دُنْيَاكَ»^۱؛ پسرم امانت را پاس دار تا دنیای شما سالم و امن باشد.

۴. جلب دوستی و محبت

یکی از آثار امانت داری جلب دوستی و محبت در میان افراد است، از این رو پیامبر اکرم (ص) فرمود: «لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تَحَابُّوا وَ تَهَادَوْا وَ أَدَّوْا الْأَمَانَةَ وَ اجْتَنَبُوا الْحَرَامَ ... فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ ابْتُلُوا بِالْقَحْطِ وَ السَّيِّئِ»^۲؛ پیوسته امت من در مسیر خیر هستند مادام که به یکدیگر محبت دارند و کمک می کنند و امانت را رعایت می نمایند و از حرام پرهیز می کنند، و هنگامی که این کارها را ترک کنند گرفتار قحطی و خشکسالی می شوند.

امام صادق (ع) در حدیثی فرمود: «كُلُّ ذِي صِنَاعَةٍ مُضْطَرٌّ إِلَى ثَلَاثِ خِلَالٍ يَجْتَلِبُ بِهَا الْمَكْسَبَ وَ هُوَ أَنْ يَكُونَ حَادِقًا بِعَمَلِهِ مُؤَدِّيًّا لِلْأَمَانَةِ فِيهِ مُسْتَمِيلًا لِمَنْ اسْتَعْمَلَهُ»^۳؛ هر صاحب صنعتی لازم است سه صفت را داشته باشد که به وسیله آنها کسب و کار خود را رونق بخشد. نخست آن که در کارش ماهر باشد دوم آن که امانت را ادا کند سوم آن که نسبت به کسانی که آنها را به کار می گیرد عطف و مهربان باشد.

۱. معانی الاخبار، ص ۲۵۳

۲. عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۲۹

۳. تحف العقول، ص ۳۲۲

نتیجه گیری

آن چه از آغاز این گفتار به عنوان یکی از وظایف مؤمنان به آن پرداخته شد رعایت امانت داری و ترک خیانت بود که این دستور اولاً دستورهای بین المللی اسلام است که نسبت به همه افراد چه مسلمان و چه غیر مسلمان باید رعایت شود، و ثانیاً نسبت به صاحبان امانت دارای گستره وسیعی است که هم خدا صاحب امانت است و هم پیامبر و هم مردم که باید آن را ادا کرد، و ثالثاً نسبت به مصادیق آن نیز دارای شمول و گستردگی است که برخی مصداق آن مادی و برخی فردی و برخی اجتماعی است.

اگر مسلمانان این وظیفه الهی را به درستی به انجام رسانند، در دنیا سبب جلب اعتماد اجتماعی و برقراری امنیت و آرامش و جلب محبت و ازدیاد روزی و در آخرت سبب راه یابی به بهشت و استفاده از نعمت های جاودان الهی می شود.